

خطاب به مردم ایران فرستادند:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران و فرزندان، دانش‌آموزان، دانشجویان و دیگر گروه‌های متمدن و مسئول.

احساسات پاکی که در عرض این چند روز نسبت به این مخلص ابراز داشته‌اید نمودار قدردانی شما از خدمتگزاران به اسلام و ملت می‌باشد.

مخلص را بیش از این مدیون ساخته‌اید، از همه شما سپاسگزارم، بیاری خداوند در همین روزها میان شما عزیزان خواهم بود، لذا تقاضا دارم از تظاهرات و راه‌پیمایی در این روز و پس از آن خودداری کنید و شما دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز به کلاسهای خود بروید. و همه مواظب باشید تا در صف فشرده و هماهنگ ما ملت اسلام و مردم ایران، فرصت‌طلبان و مفسده‌جویان رخنه نکنند و انقلاب اصیل و عالی ما را به راستگرایی و چپ‌گرایی افراطی نکشانند پس از بررسی حوادث جاری و دسائس دسیسه‌گران در حضور حضرت آیت‌الله امام خمینی آنچه می‌باید با شما در میان خواهم گذاشت.

در این روزها بیش از هرچیز ما محتاج به تفکر، تامل، بررسی، شناخت به‌اوضاع و شرایط زمان خود باید باشیم و از احساسات تند و افراطی باید خودداری کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اطلاعات، چهارشنبه ۲۹ فروردین ۵۸

متن پیام پدر طالقانی از رادیو جمهوری اسلامی ایران  
(۳۱ فروردین ۱۳۵۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله‌ای روز پنجشنبه غیر مترقبه برای من پیش آمد که موجب نگرانی‌هایی برای شخص من شد، نه از جهت این که برای فرزندان من پیش آمده، بلکه برای من از این جهت نگرانی‌آور بود که شاید توطئه‌ای، دسیسه‌ای در پشت این مسئله باشد در داخل مرز، خارج مرز ایران، و این حادثه منشأ حوادثی در مرکز و در تهران بشود. در آنروز مثل کسی

بودم که در يك خواب و خیال خوشی به سر می بردم و آرامشی بعد از ماهها ناراحتی - اضطراب - نگرانی، و ناگهان از این خواب خوش بیدار شدم و مواجه با يك مسئله خطیری. خوابی که برای من لذتبخش بود این بود که میدیدم حادثه سنندج در يك مسیر صحیحی و مردمی پیش می رود و آن نگرانیهایی که در این نقطه حساس برای همه مردم پیش آمده کم کم ظاهر میشود. پس از آن مسئله گنبد پیش آمد. با تلاشی که همه کردند، همه کسانی که بینشی دارند، حسن نیتی دارند، صداقتی دارند گروه هایی که با صداقت نمی خواهند این حوادث گسترش پیدا کند ریشه های این مسائل را می خواهند بفهمند و علاج صحیحی بکنند. در آنجا هم دیدیم که در همان روزها کم کم مسائل و پیش آمد گنبد به صلح و خاموشی این مسئله انجامید، و به تدریج رو به مسیر اصلاحی پیش میرفت و همه اینها برای من لذتبخش بود. از نواحی دیگر ایران که نگرانی هایی داشتیم باز خبرهایی برای رفع این نگرانی و تفاهم مرام به ما میرسید و دولت هم احساس میکردم به تدریج برکارها مسلط شده و برنامه های سازنده اش را در صدد است پیاده کند و از این جهت هم نگرانی ها کم شده بود ولی ناگهان مواجه با يك همچین مسئله ای شدم.

**صلاح دیدم دفترها بسته شود**

ربودن فرزندانم در روز روشن و آن هم بعد از ملاقاتی که با نماینده فلسطین داشتند از طرف من، این برای من نگرانی آور شد و احساس کردم همان کبریت هایی که در سنندج منشأ اشتغال شد و در گنبد از اینجا این برنامه ها شروع شده، برای این که مسئله به صورت تفاهم و دقت و بدون احساسات بررسی بشود از جانب دولت، از جانب مراجع - شورای انقلابی - کمیته ها - من صلاح در این دیدم که چند روزی تهران را ترك کنم و دفترها بسته باشد، تا مراجعات گوناگون، آمدن افراد متنوعی که بعضی ها شاید شناخته نمیشدند تحریکاتی در خانه من و نسبت به افرادی که با حسن نیت - با صداقت و با کوشش در خانه من مشغول خدمت به مردم هستند پیش بیاید و دنبال آن مبدا حوادثی در پی داشته باشد. من آنطور به نظرم میرسید که این راه حل قضیه است، بدون دخالت من و بودنم در تهران و باز بودن دفترها، گروه ها، افراد، دولت این قضایا را پی گیری کنند برای اینکه هم ریشه های آن بدست بیایند و هم تکرار نشود ولی متأسفم این غیبت چند روزه من باعث توجیسات، بهره گیری ها و منشأ این شد که گروه هایی یا حالا با حسن نیت

یا سوءنیت این مسئله را هم در بیان خبری‌اش و هم در توجیهش اینها تنوع پیدا کند. تشمت و بعد در مقابل هم ایستادن. آنچه در روزنامه‌ها نوشتند خوب مقدار زیادش درست بود، اما همه‌اش این نبود.

از این جهت من نگران شدم که مبدا همین غیبت من با اینکه نظر اصلاحی داشتم مسائلی پس آمده‌ائی بشود، که در این شرایط حساس ملت ایران، مردمی که انتظاراتی دارند، امیدهایی دارند دچار مسائلی بشویم که مشکلات را بیشتر و تحریکات زیاده‌تر بشود و انقلاب ما که انقلاب اصیل اسلامی است به وضعی، از راهی و در مسیری پیش برود که هم خدای ناخواسته در يك مدت دیر یا زودی تبدیل به ضد انقلاب که استبداد و دیکتاتوری، اینها بشود. با آنکه من بیرون بودم، دائماً بچه‌هایی که با من بودند، فرزندانم یا رفقا و دوستان و کسانی که در تهران بودند تماس داشتند و قضایا را آنطوری که بود بررسی می‌کردند و به من می‌رساندند. در این ضمن به من خبر دادند که از طرف حضرت آیت‌الله خمینی فرزند آزاده‌شان حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج احمدآقا به تهران تشریف آوردند و مطالبی دارند. تصورم این بود که آمدن ایشان به تهران فقط يك فرم دلجوئی برای من بوده از طرف آقا. بعد که گفتند ایشان مسئله‌ای است که باید مطرح کنند، محلی که آنجا بودم آنجا تشریف آوردند، و نگرانی حضرت آیت‌الله خمینی را به من گفتند و خودشان هم اظهار کردند که ممکن است نبودن شما منشأ نگرانی‌ها و مسائلی بشود. از این جهت من با اشتیاقی که داشتم بعد از مدتها ملاقات با حضرت آیت‌الله خمینی با ایشان حرکت کردم. و علاوه بر این سالها بود که من به قم نیامده بودم با همه محبتها و لطفهایی که از مراجع اعظام، فضلا، علمای اینجا، چه کتباً، چه با تلگراف و چه با فرستادن افراد من را مرهون لطف خودشان قرار داده بودند و من مدیون خود را میدانستم. عشق و علاقه‌ای داشتم که با این وطن ثانوی که مکتب فکری من بود یعنی شهر قم يك تجدید عهدی بکنم. احساس کرده‌ام امام نگران هستند

این بود که در خدمت ایشان حرکت کردیم دیشب آمدم از جهت دیگر احساس کردم که حضرت آیت‌الله امام خمینی نگرانی‌هایی پیش آمده برای ایشان که مبدا تفرقه افکنها - فرصت‌جوها - عوامل مستقیم و غیرمستقیم داخلی و خارجی استعمار و رژیم می‌خواهد از این مسائل بهره‌برداری کند و یا چنین بنمایاند که بین نظریات مراجع دینی - رهبر

های دینی اختلافاتی هست و همیشه هم ما می‌دانیم که عوامل ضد انقلاب و دشمن و ارتجاع داخلی و خارجی و استعمار، تجربه تاریخی ما است که از همین احساس اختلاف نظرها سوءاستفاده کرده و انقلابات همیشه و بیشتر از مواردی که ما در تاریخ می‌دانیم در داخل و خارج از کشورمان سوءاستفاده کرده‌اند با اینکه بارها این مطلب را ما تذکر دادیم، همان وقتی هم که حضرت آیت‌الله خمینی در تهران بودند باز هم چنین انتشارتی در گوشه و کنار جراید و اعلامیه‌ها منتشر کردند که من جواب گفتم ما رهبری حضرت آیت‌الله امام خمینی را نه‌ما دنیا پذیرفته است.

خبرنگارها - خبرگزاریها - روزنامه نگارهایی که به ما مراجعه می‌کنند و با اعجابی به این رهبری و به این انقلاب می‌نگرند، مسلمانهای دنیا - آزادگان دنیا اینها همه پذیرفته‌اند که این رهبری، رهبری غیر عادی بوده، برطبق موازینی که دنیا در رهبری دارد آنها نبوده، رهبری است که منشأش ایمان - تقوا - و ارستگی - صمیمیت قاطعیت. و من خودم کسی نیستم که تازه ایشان را شناخته باشم. سالها از دوره طلبه‌گیمان ایمان و تقوا و ارستگی - صلابت درایمان ایشان را می‌دانستیم و این چندین سالی که ایشان شروع کرده‌اند به مبارزه همیشه ما مبارزات ایشان را تأیید کردیم. گفته‌هایشان - طرحشان - شعارهایشان همه مورد تأیید بوده، و از این جهت، از این راه آن کسانی که می‌خواهند اندیشه تفرقه افکنی دارند و بخواهند سوءاستفاده کنند یا آگاهانه یا ناآگاهانه از این جهت باید خاطرشان جمع باشد که ما تا وقتی که زنده هستیم ممکن نیست که بین ما که اصولمان را، اصول مکتبمان را قرآن و سنت مشخص کرده و هدفهایمان مشخص است.

گاهی ممکن است بین رهبرهای دینی آنطوریکه در مسائل فتوایی گاهی نظره‌های مختلف داریم غیر از مسائل رهبری در مسائل اجتماعی و اصولی است، در این مسائل اصولی هیچ‌یک از رهبرهای دینی که در این مکتب تربیت شده‌اند نمی‌توانند اختلاف داشته باشند. ممکن است در مشی بعضی تندتر، بعضی آرامتر، بعضی در مسائل - مسائلی را مطرح کنند که مثلاً این مسائل باید در مرحله دیگر مطرح شود، ولی در اصول و مشی و به‌ثمر رساندن این انقلاب اسلامی بین هیچ‌کس اختلاف نیست. بین این مخلص که نسبت به رهبری ایشان بارها و بارها نظر داده‌ام و رهبری قاطع ایشان را برای خودم پذیرفته‌ام و همیشه سعی

کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن با اسلام مشی من خارج نباشد.

### وضع کمیته‌ها و پاسداران

مسئله دیگری که پیش آمده مسئله این کمیته‌ها و پاسداران انقلاب است که مطالبی گفته شده، در روزنامه‌ها نوشته شده، حمله‌هایی به اینها شده که به نظر من این حمله‌ها یا ناآگاهانه است، یا مغرضانه. برای اینکه ما می‌دانیم يك چنین انقلاب عظیمی در هر جای دنیا پیش می‌آمد چقدر ضایعات و کشتارها در پی داشت. کی توانست تهران این شهر بزرگ مخلوط و ترکیب شده از عوامل مختلف، عوامل ضدانقلاب، ساواک، سیا، اسرائیل و همینطور عوامل بی‌مسئولیتی که می‌خواهند به خانه‌های مردم نوامیس مردم تجاوز کنند، کی توانست این شهر و دیگر شهرها را حفظ کند؟ همین کمیته‌ها، همین پاسدارها بودند، همین‌هایی که شب و نصف شب من خودم از خیابانها عبور می‌کردم این جوان‌هایی که سراسر ایمان سراسر عشق به انقلاب چه بسا زن و بچه داشتند روزها و بلکه هفته‌ها به سراغ زن و بچه‌هایشان نمی‌رفتند و با اندك غذائی اکتفا می‌کردند. شب و روز چندساعتی بیشتر نمی‌خوابیدند، برای اینکه حافظ انقلاب باشند، پاسدار انقلاب باشند، برای اینکه انقلاب به ثمر برسد. آنها که بطور در بست به پاسدارها و به کمیته‌ها اعتراض دارند انتقاد می‌کنند، اینها به نظر من درست نیست. اگر از ابعاد مختلف مسائلی را بررسی کنند و صادقانه قضاوت کنند، از نزدیک این جوانها را ببینند که چه می‌کنند، چه افتخاری هستند اینها برای دین‌ها و برای انقلاب ما. البته در بین این پاسدارها و کمیته‌ها اشخاص غیر مسئول خصوصاً در این چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دارند رخنه کرده، کارهایی انجام دادند، ایراد گیری‌هایی بوده. حتی ما از بعضی کمیته‌ها چیزهای خیلی بدی یعنی از بعضی از افرادشان نشان دادند و حتی ما دیدیم که بعضی‌ها می‌روند در خانه مردم بعنوان يك پاسدار از مردم پول گرفته‌اند، بدون اینکه رسیدی بدهند، بدون اینکه خودشان را بشناسانند. اینها است، این مسائل و این مسائل ربطی به اصول کمیته‌ها و پاسداران اصیل و مؤمن انقلابی ما ندارد و بارها حضرت آیت‌الله امام خمینی به کمیته‌های اصلی ۱۴ گانه که آقایانی که در راس این کمیته‌ها هستند سالها من از نزدیک می‌شناسم این تذکر را

دادم ولی نخواستم که مبادا درگیری پیش بیاید، مبادا حوادثی پیش بیاید گفتم آهسته. آهسته شناسائی بشوند و کمیته‌ها و پاسدارها تصفیه بشوند. ما دیدیم در قضیه گنبد یک عده‌ای با اخلاص و عده‌ای افراد مشکوک که در گزارش‌هایی که به‌ما دادند، ما رفتیم آنجا عده‌ای جوانهایی کشته شدند در آنجا و بعد که برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته‌هایی بوده که فرعی و غیر مسئول بودند.

### امیدواریم پاسداران تصفیه شوند

این حوادث هست، خاصیت انقلاب است، بیشتر از این هم ما باید انتظار داشته باشیم. واقعاً باید دعا کنیم به‌اینجا که در همین حد بوده و امیدواریم که در این حد هم پایان پیدا کند و پاسداران و مامورین ما تصفیه بشوند سوابقشان سنجیده بشود، مسئولیت‌هایشان مشخص بشود و دیگر از اینگونه حوادث پیش نیاید و بارها این تاکید شده که اگر ارزیابی داشت این غیبت چندروزه من، این سود را داشت که آگاهی عمومی برای همه پیش آمد و اینکار را لازم و واجب دانستم که کمیته‌ها را بیشتر نظارت کنند و این افرادی که پاسدارند بهتر بناسند. این مسئله‌ای بود که بطور مختصر می‌خواستم به همه برادران و خواهران و فرزندان عزیزمان که این چند روزه احساساتی نسبت به این خدمتگزار در راه پیمائیهایشان، شعارهاشان ابراز کردند باید تشکر کنم ولی در عین حال همه فرزندان ما باید مراقب باشند، تحت تاثیر تبلیغات منحرف واقع نشوند راست افراطی همانطور که گفتم و چپ افراطی هردو مضرند.

«کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

ما مسلمانها شب و روز مهمترین دعایمان که در متن نمازمان واقع است که هر مسلمان لااقل باید ده مرتبه شب و روز این دعا را بخواند و از خدا بخواهد و هر فرد مسلمانی در شبانه‌روز ده بار اگر حساب کنیم ششصد تا هفتصد میلیون مسلمان نمازخوان مقدارش هیچ دعایی و هیچ ذکری در شبانه‌روز آنقدر تکرار نمیشود، برای اینکه بسیار حساس است:

اهدنا صراط المستقیم یعنی در هر قدمی در هر اقدامی در هر مسئله‌ای راه چپ و راست است که هردو منحرف است، همانطور که علی آن روز فرمود الیمین والیسار مثله - چپ و راست روبه‌گمراهی میرود - اهدنا صراط المستقیم برای همین است، اگر منظور شناسائی دین بوده

و احکام فرعی دین بوده خوب آن شناخته شده دیگر هدایت نمی‌خواهد  
 ما شبانه‌روز از خدا بخواهیم. این‌که شبانه‌روز از خدا می‌خواهیم همه  
 مسائل روز است که نه به طرف چپ برگردیم نه به طرف راست برگردیم.  
 راه مستقیم انقلاب ما در صراط مستقیم باید باشد برای همه مردم،  
 برای همه قشرها، برای این مردم که جان داده‌اند، درخیا بان‌ها سینه-  
 هایشان را در مقابل توپ و تانک و گلوله سپر کرده‌اند این انقلاب مال  
 این مردم است. يك عده‌ای می‌خواهند از این مردم و از این انقلاب به  
 نفع نظریات شخصی و انحرافی - آگاهانه یا ناآگاهانه - خودخواهیها -  
 خودنشان دادن - خود بهره‌گیری - فرصت‌جوئی استفاده کنند، این  
 آگاهی مردم است که جلو این فرصت‌جوئیها و بهره‌گیریهای بی‌مورد  
 نابسامان را بگیرند تا انشاءالله این انقلاب ما که مرحله نفی رژیم را  
 گذرانده و در مرحله مشکل و حساس سازندگی، همه به سازندگی  
 بپردازند. دانش‌آموزان ما در مدرسه‌ها برای دریافت آگاهی‌ها - وظائف  
 مسئولیت‌ها علم باید سرگرم درس خواندن بشوند، نه تنها درسهای محدود،  
 درس زندگی، درس حیات، درس همداری و همانطور دانشجویان ما  
 هر روز برای مسئله‌ای که پیش می‌آید ما انتظار نداریم که به خیابان‌ها  
 بریزند و مقابل هم شعار بدهند، و همانطور دیگر گروه‌ها و دیگر مردم.  
 امروز روز سازندگی است، روز حرکت به طرف سازندگی است و چشم  
 دنیا به ما معطوف است و ما باید نه تنها در مرز محدود به ایران بلکه  
 در خاورمیانه - عالم اسلام - کشورهای عربی - دنیا همه نظر دارند و  
 می‌خواهند این انقلاب را آزمایش کنند. ملت‌های محروم که از هر طرف  
 و سری خوردند به اسم محرومها انقلاب شد و بعد هم علیه محرومها  
 برگشت، امروز می‌خواهند این انقلاب ما را آزمایش کنند و ما باید به  
 دنیا نشان بدهیم این انقلاب ما به نفع محرومها در طریق محرومها  
 است، برای زندگی کردن آنها است برای برانگیختن استعدادهای آنها  
 است برای درک زندگی است، برای مردمی که نمی‌گذاشتند درکشان  
 وسعت پیدا کند و شناختشان بالا برود، برای بالا آوردن زندگی مادی و  
 معنوی آنهاست و از این جهت همه باید در این مسیر بکوشیم و از خداوند  
 می‌خواهیم که هیچ سوءتفاهمی با کسانی که صداقت دارند، در راه  
 خیرند، در راه خدمتند برای هیچکس پیش نیاید. همه جوانها را من  
 فرزندان خودم میدانم، تا آنجائی که ممکن است اینها را جمع میکنم،  
 بحث میکنم، اشتباهاتی اگر هست رفع بشود، اگر صداقت دارند میتوانند

به تدریج آن راهی که هست و ما انتخاب کرده ایم راه خدا و راه خلق است راه خدمت است راه نجات کشور است و راه نجات دنیا است انشاءالله پیش برویم به امید خدا.  
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

اطلاعات اول اردیبهشت ۵۸

## سخنرانی پدر طالقانی در مدرسه فیضیه

(۳۱ فروردین ۱۳۵۸)

آیت الله طالقانی در سخنان خود ضمن سلام و درود به مردم و طلاب و مراجع مسئول قم گفتند: این شهر مقدس روزی در انزوا بود و امروز سرنوشت ساز نه تنها کشور ما بلکه جهان شده است.

آیت الله طالقانی افزودند: با حرکت انقلابی که پدید آمد دو مسئله مطرح است، مواجه شدن با دشمنی قوی و نیرومند و نیز بزرگ نشان دادن دشمن از آنچه که بود و فرد انقلابی در مرحله اول پیروزی خود را بزرگ دیدن از آنچه هست. شرایطی که انقلاب برای او فراهم آورده است که هر دوی اینها در راه انقلاب خطرناک است.

دروغ، خودسری تحمیل شدن بر مردم همه اینها راه انقلاب را می بندد. در طریق انقلاب، آلودگی، خودنمایی و خودبینی مرحله دیگریست از شکست و توقف حرکت انقلابی. فرد انقلابی جمعیت انقلابی و پیشرو انقلابی که فقط توجه به مسیر انقلاب داشته باشند خود را باید پاک نگهدارند مبدا آلوده به گناه، آلوده به مال پرستی، آلوده به موضع گیری در برابر دیگران، آلودگی به خودبینی، صنف پرستی و گروه پرستی ها مرحله خطرناکی از همه اینها که يك جامعه انقلابی و افراد انقلابی قدرت یافته وقتی است که آب توی پوست انقلابی می رود یعنی دچار غرور و نخوت میشود. اینجا است که انقلابی تبدیل به ضد انقلابی خواهد شد. ما مراحل را گذرانیده ایم و مرحله هایی که اکنون در گذر آن هستیم و می خواهیم بگذریم اینست که از نخوت حذر کنیم. باید هنوز کارمان را زیاد بنینیم، باید بردبار باشیم، باید هیجان زده نباشیم و در این مرحله انقلاب گمان نکنیم که کار ما پایان رسیده و انقلاب پیروز شده است و مرحله انهدام آسانتر از مرحله سازندگی است. ما